

۱۴. که با من هرچه کرد آن آشنا کرد

از قدیم گفته‌اند آدمی گوشت خودی را بخورد استخوانش ا دور نمی‌اندزد. این مال خود ما ایرانی‌هاست. اصلا نسخه بین المللی ندارد. داشته باشد هم عمرانسخه اسرائیلی ندارد. این پدر سوخته‌ها گوشت خودی را که می‌خورند هیچ، استخوانش را پودر می‌کنند به عنوان ادویه می‌ریزند در غذا. مثل همین کاری که با بدافزار جاسوسی پگاسوس کردند. جاسوسی از فلسطینیان و دشمنانشان که به کنار، از وزرای فرانسه هم جاسوسی می‌کردند. فرانسوی‌ها قشنگ حس دختر شکست عشقی خورده‌ای را داشتند که عکس‌های شخصی‌اش هم پخش شده.

۱۵. توافقی بیجا مانع کسب است

بعضی‌ها کاسبی خراب کنند. یعنی می‌روند در مغازه و مشتری که خواست کالایی را بخرد پشیمانش می‌کنند. مثلا بد جنس را می‌گویند یا می‌گویند فلانی ارزان تر می‌دهد. اینها خیلی مانع کسبند. کاری که انگلیس و آمریکا با فرانسه کردند هم همین چیزی

بود. یعنی فرانسه عمری داشت از استرالیا می‌چاپید و زیردریایی دیزلی بهشان می‌داد. بعد یکهو انگلیس و آمریکا آمدند توافق کردند که زیردریایی هسته‌ای به استرالیا بدهند. استرالیا هم گاو نیست که وقتی مدل هسته‌ای دارد پول هندی هم بدهد که حالا خودتان را بگذارید جای فرانسه؛ شما کاسب باشی شاکی نمی‌شوی؟

۱۶. مرکل بی مرکل

مرکل بعد از ۱۶ سال بالاخره از خر صدراعظمی آلمان پایین آمد. آنقدر صدراعظم بود که جوان ترها نمیدانستند اول مرکل بوده بعد آلمان یا برعکس. البته اگر محبوبیت حزیش کم نمی‌شد که حالا حالاها پایین بیا نبود. چاره‌ای هم نبود؛ طرفداران حزب مرکل معمولا آنقدر پیرند که هرسال با مرگ و میرشان کلی از بدنه طرفدار می‌روند سینه قبرستان. همین شد که در انتخابات بیش از ۷۵ درصد به حزب مرکل رای ندادند. مرکل که رفت بقیه احزاب آلمان تازه از غار آمدند بیرون. بیچاره‌ها آنقدر کاره‌ای نبودند که بعضی احزاب

هنوز فکر می‌کنند زمان هیتلر است و با شعارهای نژادپرستی دنبال رای اند.

۱۷. جو مسموم عثمانی شدن

آدم کلا نباید جوگیر شود و بخواهد کس دیگری باشد. بخصوص اگر مسولیت یک کشور بر گردنش باشد که اصلا نباید جوگیر شود. مثلا رضاشاه جوگیر شد خواست آتاتورک ایران بشود، کله پا شد. محمدرضا شاه جوگیر شد و یکهو خواست کوروش بشود اردشیر دراز دست هم نشد و دست از پا درازتر فرار کرد. صدام خواست فاتح قادسیه بشود، فاتح پناهگاهش هم نشد. حالا هم اردوغان جوگیر شده و می‌خواهد سلطان سلیمان بشود و با دخالت در کشورهای منطقه کم کم حکومت عثمانی را زنده کند. یکی نیست بگوید مردناحسابی بگذار این جو‌ها کسی را بگیرد که لااقل یک جو جگر داشته باشد؛ نه تو که یک جوجه کودتا توی کشورت شد تا یک هفته مادرت هم از مخفیگاهت خبر نداشت.

۱۸. بی‌اختیاری در همه امور

اوایل که بایدن آمد بعضی‌ها خیلی خوشحال بودند که به به! چه تیپی! چه شخصیتی! چه سری! چه دمی! ولی هرچه گذشت بایدن خان آنقدر سوتی داد و آبروریزی راه انداخت که دیگر حتی دخترش هم رویش نمی‌شود بگوید رئیس جمهور آمریکا بابای من است. چهارتا پله را می‌خواهد بالا برود سه بار زمین می‌خورد. وسط گفت‌وگو که چرت می‌زند. این اواخر اختیار باد معده‌اش را هم ندارد. الان دیگر مشاورانش به او توصیه‌های مملکت داری نمی‌دهند فقط از او می‌خواهند دستشویی‌اش را بگوید. خب وقتی مشاعر درست نداری کرم داری کاندیدا می‌شوی؟

۱۹. این کره‌ای‌های داستان بلد

کلا آدمیزاد از هرچه با آن همزادپنداری کند، خوشش می‌آید. نمونه‌اش سریال کره‌ای بازی مرکب. داستانش روایت فقر و تبعیض و فلاکت کشیدن برا دوقرون که چه عرض کنم میلیاردها قرون پول بود. همین باعث شد کل دنیا ببینندش. جوری دیدنش داغ شد که انگار فحش گذاشته بودند برای ندیدنش. به طوری که اگر کسی درباره‌اش حرف می‌زد و می‌گفتی ندیدم؛ طوری نگاهت می‌کرد که از اینکه کار داشتی و سرت شلوغ بوده شرمند می‌شدی. اما این استقبال یک چیز مهم به سینماگران یاد داد. اینکه فیلم اگر فیلم باشد، کره‌ای که سهل است به زبان قبایل بدوی هم باشد دیده می‌شود. لذا فکر نکنید برای جهانی شدن حتما

